

بررسی وضعیت فرهنگی مذهبی ترکیه، فرصت‌ها و زمینه‌های گفتگوی فرهنگی دینی در این کشور



به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به مناسبت هفته پژوهش نشست تحلیلی با عنوان «مشترکات فرهنگی ایران و ترکیه» با ارائه دکتر حاجی کرلانگیج سفیر جمهوری ترکیه در جمهوری اسلامی ایران و دکتر عادل بور رایزن فرهنگی ترکیه در ایران و با دبیر علمی حجت الاسلام راشدی‌نیا مدیر پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تاریخ چهارشنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲ در سالن نشست‌های علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار گردید.

آقای دکتر کرلانگیج: ملت ایران و ترکیه از قرن‌های گذشته با هم انس داشته و در تاریخی مشترک سابقه فرهنگی و اسلامی را در منطقه ایجاد کرده‌اند. مردم دو کشور با استفاده از زبان فارسی آثار ارزشمند و گران‌بهایی را خلق نموده‌اند و تا کنون از آن آثار برای رشد معنوی بهره‌م می‌برند. از نظر دینی مشترکات فراوانی داریم که غالباً به زبان فارسی هستند و این فرهنگ‌ها از خراسان تا آناتولی از راه زبان فارسی شکل گرفته است. مشترکات زیادی در الفاظ داریم که فارسی هستند. در مسایل فرهنگ دینی، خانوادگی، رسوم، آداب و عادات اجتماعی نیز مشترکات فراوانی داریم. در کشورهای اسلامی هیچ دو کشوری مانند ایران و ترکیه دارای اشتراک و پیوند نیستند. ایرانیانی که در ترکیه

زندگی می‌کنند خود را غریبه حساب نمی‌کنند. علیرغم وجود مرزهای سیاسی، مردم دو کشور میان خود مرز اجتماعی و فرهنگی بین خود نمی‌شناسند. در گذشته نیز نخبگان علمی و فرهنگی میان دو کشور آزادانه تردد داشته‌اند. در ترکیه در پنج دانشگاه در شهرهای مختلف گروه زبان فارسی فعال است و آموزش می‌دهند و هر سال ۱۵۰ دانشجوی زبان فارسی می‌پذیرند.

مساله تصوف بسیار پیچیده است و من متخصص عرفان نیستم و نمی‌توانم از عهده تبیین آن برآیم ولی به‌عنوان مترجم، کتاب‌های عرفانی زیادی شامل گلستان و بوستان سعدی شیرازی، صفت



الابرار جامی، مجالس سبعه مولانا، دیوان حافظ را از زبان فارسی به ترکی ترجمه نموده‌ام. البته ترجمه دیوان حافظ را ترجمه جدید و به روز نموده‌ام بعد از ترجمه استاد گُلپ که زحمات زیادی در معرفی عرفان اسلامی و آناتولی و ترجمه همه آثار مولانا کشیده‌اند. به‌عنوان استاد دانشگاه هم‌زمان با یادگرفتن زبان فارسی تلاش کرده‌ام که به دیگران نیز این زبان را بیاموزم.

در واقع اسلام در آناتولی و اروپا که تحت سلطه حکومت عثمانی بوده بواسطه عرفان و تصوف زنده مانده است. مبلغین دین اسلام بیشتر صوفیه بوده‌اند و با تصوف بود که مردم اسلام را شناختند. هنوز هم طریقه‌های مختلف در ترکیه فعال هستند. البته اوایل تاسیس جمهوریت خانقاه‌ها و تکیه‌ها و به قول ترکیه‌ای‌ها درگاه‌های تصوف مدتی ممنوع بودند. باز این مردم ترکیه بودند که این مکاتب را زنده نگه داشتند. تصوفی که در تاریخ هست به شکل تئوریک با تصوفی که با تصوف زنده امروز ترکیه خیلی فرق دارد. تصوف نظری خیلی وسیع‌تر از تصوفی است که در زندگی مردم وجود دارد. آنچه در متون قدیم تا

متون بعدی تا مولانا و بعد از او نزد پیروان مولویه یا نقشبندیه و کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده بسیار عمیق‌تر از نگاه مردم به مبانی تصوف است.

آقای عادل‌بور رایزن فرهنگی ترکیه در ایران : ترکیه کشوری است که از دیرزمان اسلام را پذیرفته است و مسلمانان ترکیه ارزش‌های قرآن و دین را از راه بزرگان عرفان دریافت کرده‌اند. مذهب فقهی رایج در ترکیه حنفیه و شافعیه است و پیروان مذهب حنفی بیشتر از شافعیه هستند. پیروان شافعیه بیشتر در میان کردها هستند و پیروان حنفیه بیشتر در مقرر حکومت عثمانی یعنی استانبول و آناتولی می‌باشند. مذاهب اعتقادی موجود در ترکیه، اشعریه و ماتریدیه هستند. اکثر حنفی‌ها از حیث فکر و نظر مذهب ماتریدی تبعیت می‌کنند و شافعی‌ها تابع مذهب اشعری هستند. ولی از نظر تطبیق، میزان وجود مذهب در زندگی مردم فقط در نماز و عبادت خلاصه می‌شود. بنده قبلا مدیر یک معهد تابع سازمان دیانت ترکیه بودم. در آنجا واعظان و مفتی‌های ترکیه پس از



تحصیل در دانشگاه الهیات سه سال در این معهد تحصیل می‌کنند. دانشجویانی که وارد معهد می‌شدند از آنها می‌پرسیدم که مذهب حنفی چقدر در زندگی شما وجود داشته؟ می‌گفتند هیچ! در حقیقت آنچه که من می‌بینم این است که مذهب در معاملات و تعاملات اجتماعی هیچ جایگاهی نداشته است و فقط به عنوان یک نوستالوژی در زندگی مردم وجود دارد، از این رو تاثیرات دین را در جامعه عصر نو نمی‌بینیم. آنچه می‌تواند در میان امت اسلامی وحدت ایجاد کند، ارزش‌های قرآنی و دینی است؛ ولی وقتی آگاهی و التزام به آن در میان مسلمانان وجود نداشته باشد، نمی‌توان از آن ارزش‌ها برای تکامل و سعادت جامعه بهره برد. دلیل اینکه در ترکیه و سایر سرزمین مسلمانان امنیت وجود ندارد، همین است.

در ترکیه آزادی مذهبی و اعتقادی وجود دارد و همه فرقه‌ها و مذاهب می‌توانند عبادات و نظرات خود را اجرا نمایند. در بخشی از ترکیه تابعین مذهب جعفریه هستند. در استانبول پنجاه و سه مسجد جعفریه وجود دارد. دو مسجد از این مساجد متعلق به تابعین کشورهای دیگر است؛ یکی متعلق به اهل اروپا و دیگری متعلق به ایرانیان است. امیدوارم که در تهران نیز یک مسجد متعلق به هموطنان ترکیه ایجاد شود تا بتوانند به زبان خود به مناسک و عبادات خود بپردازند.

در ادامه، آقای کرلانگیچ سفیر کشور ترکیه در ایران در پاسخ به این سوال که دلیل رواداری بسیار و تعامل سلمی اتباع مذاهب و فرقه‌گوناگون در ترکیه چیست اظهار داشت:

یکی از ادله تسامح مذهبی در ترکیه همین خوش‌بینی و مسامحه‌کاری تصوف است. دلیل دیگر ناشی از سبک رفتاری امپراطوری عثمانی است. حکومت عثمانی با ملل مختلف از ادیان و مذاهب مختلف مانند مسیحیان و یهودیان با مذاهب گوناگون خود و نیز مسلمانان با مذاهب مختلف در جغرافیای وسیع در تعامل بود. لذا فقط والی برای آنها انتخاب می‌کرد و دولت به کارهای سلطنتی خود مشغول بوده و این روش ریشه دار شده و تاثیر آن نوع رفتار تا کنون وجود دارد و تبدیل به فرهنگ مردم شده است. به عنوان مثال من از شهر آماسیا هستم علوی‌های زیادی در آنجا زندگی می‌کنند. آنها اصطلاحاً شیعه هستند ولی از مذهب خود اطلاع چندانی ندارند. از حضرت علی و حسین می‌گویند ولی بر مبنای فقه حنفی نماز می‌خوانند. آنجا مدرسه و تعلیم و تربیت دینی و مسجد خاص خود را نداشته‌اند، اما برای جواب به حس دینی خود از همسایگان خود تقلید می‌کنند. با این تفاوت‌ها باز برادری میان مردم وجود دارد.

نظر شخصی من این است که به وحدت مذاهب اسلامی اعتقاد دارم و معتقدم که مساجد مسلمانان باید یکی باشد و هر کس امام جماعت بود باید دیگران به او اقتدا کنند و این شکل ایده‌آل زندگی مسلمانان است. در تاریخ اصفهان دو مذهب شافعی و حنفی وجود داشته و همیشه با هم جنگ داشته‌اند. در ترکیه هم مساجد حنفی‌ها و شافعی‌ها از هم جداست هرچند با هم دشمنی و اختلاف ندارند؛ چه برسد به شیعه و سنی، با این حال هر کسی می‌تواند مسجدی بسازد و بدون اجازه سازمان دیانت امام جماعتی انتخاب کند و نماز بخواند؛ اما برای برگزاری جمعه از سازمان دیانت باید مجوز دریافت شود. مساجد وابسته به هموطنان اثنی‌عشریه بیشتر در استانبول و شهر ایردر هستند. قبلاً مرز وجود نداشت و تا زمان زیادی این منطقه متعلق به ایران بود و بعد



از جنگ جهانی اول به سرزمین‌های تعلق یافتند در هر موردی که هستند از آنکارا،

استانبول، چروم و ایردر آزادند تا عبادات خود را انجام دهند. در ایران هم شاهد هستیم که اهل سنت مانند شیعیان آزادند که مسجد داشته باشند و به عبادات و مناسک خود بپردازند.

اما خواسته رسمی من این است که هموطنان ترکیه‌ای ما در ایران مسجدی برای خود داشته باشند تا بتوانند به راحتی گرد هم آیند و وعظ بشنوند و همبستگی بیشتری داشته باشند و با زبان خود به عبادات و مناسک خود بپردازند.

البته من در مساجد شیعیان می‌روم و در تجریش در نماز جماعت شرکت می‌کنم، گاهی یکی از برادران می‌آید و برای من مهری می‌گذارد ولی من عکس‌العملی نشان نمی‌دهم. می‌دانم که روایتی در مورد امام جعفر صادق (ع) وجود دارد که ایشان دستمالی داشته و مقداری از خاک کربلا به همراه داشته و هنگام نماز آن را باز می‌کرده بر آن سجده می‌کرده است که کار مبارکی است. از این لحاظ اشکالی ندارد؛ اما شهروندانی که با نخ پنبه به دین اسلام متصل هستند اگر به آنها کمک نکنیم این نخ هم گسسته می‌شود و از دین جدا می‌شوند. آنهایی که فقط روزهای جمعه نماز می‌خوانند و در روزهای دیگر کمتر نماز می‌خوانند اگر یک مسجد برای آنها تاسیس شود حسیه‌ات دینی آنها قوی‌تر می‌شود.

ایشان در جواب این سوال که نقش ایران و ترکیه برای یاری رساندن به مردم غزه یا فلسطین چه می‌تواند باشد بیان داشت:

کسی که خود نیازمند است به چه کسی می‌تواند کمک کند؟ همه ما می‌دانیم که به علل مختلف وحدت جهان اسلام تحقق نمی‌یابد. کشورهای عربی که به فلسطین نزدیک‌ترند مسئولیت بیشتری دارند ولی متأسفانه اقدامی نمی‌کنند و وضعیتشان آشکار است. ما و ایران نیز از ابتدای اشغال سرزمین فلسطین از مردم مظلوم فلسطین حمایت کرده‌ایم ولی متأسفانه این حمایت‌ها تاثیری نداشته است وگرنه این اتفاقات تأسف برانگیز رخ نمی‌داد. البته تلاشی که دولت‌های ما انجام می‌دهند به نوعی قابل تقدیر است؛ زیرا رؤسا و وزرا و سفرای ما با سفر به کشورهای گوناگون، نسبت به این وقایع روشنگری می‌کنند. البته امروز کار از این حرف‌ها گذشته است. ما نمی‌توانیم برای حکومت‌های خود تصمیم‌گیری کنیم؛ زیرا آنها اوضاع جهان را می‌نند و آنچه بتوانند انجام می‌دهند. من به عنوان سفیر باید مطالب دیگری بگویم ولی به عنوان یک مسلمان می‌گویم که هیچ کار مثبتی نکرده‌ایم.

دکتر حجابی کرلانگیچ نسبت به حرکت‌های مردمی در مورد مساعدت مردم غزه و فلسطین :

انجمن‌ها امروز هم مبادرت به کمک‌رسانی می‌کنند ولی این‌بار وضعیت متفاوت است و کمک‌ها و اقدامات زیادی در حال انجام است که از چگونگی آن نمی‌توانیم سخن بگوییم. متأسفانه در ایران و ترکیه مردم پشت حکومت‌های خود می‌ایستند و منتظر دستور حکومتی هستند تا اقدامی کنند. مثلاً تجمعات مردمی خودخوانده نسبت به کشورهای اسلامی دیگر بسیار کمتر است؛ زیرا مردم به حکومت‌های خود اعتماد دارند و منتظر حرکت حکومت‌های خود هستند.

